

۱۷۲ - ناعقین و مدّعیین

و نیز درباره مدّعیان کذب خبر دادند **قوله الاعلی**: " سوف یرتفع النّعاق من اکثر البلدان اجتنبوا یا قوم و لا تتبّعوا کلّ فاجر لئیم هذا ما اخبرناکم إذ کُنّا فی العراق و فی ارض السّرّ و فی هذا المنظر المنیر "

و قوله الاعلی: " سوف تسمعون من الدّیّار نداءً كما اخبرنا به من قبل اذا تجنّبوا و تمسّکوا بهذا الدّیل المنیر "

و قوله الاعلی: " سوف تسمعون النّداء من الّذین ارادوا ان یضلّوا العباد ایّاکم ان تتبّعوا کلّ عجلٍ بعید فسوف ترؤن من یدّعی فی نفسه امرأ الا انّه من الکافرین "

و این آیه از کتاب اقدس قوله المبین: " الّذی یتکلّم بغیر ما نزل فی الواحی انه لیس متی ایّاکم ان تتبّعوا کلّ مدّع اثیم " معنی ناعق و مدّعی را بیان مینماید

و در لوحی است قوله الاعلی: " در ارض زوراء از قلم اعلی این کلمه علیا جاری و نازل: " سوف یرتفع النّعاق من اکثر البلدان " وعده الهی ظاهر شد و ناعقین در اطراف متحرک باسم حق خود را حفظ نما " **و در اثری از خادم است قوله**: " این ناعقین دو قسمند قسمی در اوّل ادّعی ایمان نمایند و بعد بکمال اعراض قیام کنند و قسمی بدعوی برخیزند و بغیر ما اذن الله تکلم نمایند و این خبرهائی است که از قلم اعلی جاری شده و البتّه واقع خواهد شد "

و نیز در اثری مفصل از خ ا د م است: " قد تمسّک هذا الکلیل العلیل باسم الله النّاطق الشّافی الجلیل الحمد لله الّذی توحد بسلطان وحدانیته و تفرّد بملیک فردانیته الّذی کان مقدّساً عن اعلی ذکر الکائنات و منزهاً عن ابهی وصف الممكنات و متعالیاً عن کلّ ساذج ذکر و جوهر وصف قد اقرّ المقربون بالقصور عمّا ینبغی لسلطانه و اعترف المخلصون بالعجز عمّا یلیق لبساط عزّه لم یزل کان فرداً واحداً و لا یزال یكون بمثل ما قد کان قد بنی بمشیّته النّافذة بیت امره علی أسّ البیان و اسطقس التّبیان و خلق له حقّاً و حراساً لیحفظوه عن کلّ خائن غافل و متکلّم جاهل و هم الّذین لا یتجاوزون عمّا انزله الله فی الکتاب و لا یتکلّمون الا بما اذن

لهم في المآب اشهد انهم ابادى امره في الورى و مصابيح هدايته بين الارض و الثرى و هم القائمون لدى بابه و يطردون من لم يكن اهلاً للَدْخول الى فنائه لا اله الا الحاكم الامر العليم ثم اسألك يا فالق الاصباح و مرسل الرياح بأن تعرف بعض احبائك مقامهم و شأنهم لئلا يتجاوزون عما حدّد في كتابك و قدر في الواحك و يعرفن انفسهم و يتكلّمن بما ينبغى لهم ثم ارزقهم حلاوة كأس العبوديّة في سبيلك و لذّة الافتقار عند ظهور غنائك و العجز عند بروز اقتدارك و عزّتك يا الهى لو شربوا هذا الرّحيق ليطمسّكوا بحبل عبوديتك ... نفسى لاستقامتكم الفداء مراسله ان حضرت كه بنام نامى اسم الله مهدي عليه من كلّ بهاء ابهاه بود اين بنده فانى بزيارت آن فائز از جهتي سرور بي اندازه دست داد چه كه نفحه محبت محبوب عالميان از او ساطع بود و همچنين حزن لا نهايه چه كه مشاهده شد كه بعضى احبّاي الهى بكلماتي تكلم مينمايند كه اين كلمات بنفسها سبب توقّف ظهور نصرت است و علّت اختلاف خلق في الحقيقه سبب تضييع امر الله فيما سواه اليوم بايد نفوسى كه خود را بحق نسبت ميدهند بنار كلمه الهيه مشتعل باشند و به بياناتي بين خلق ناطق گردند كه سبب انجذاب قلوب و افتدّه ناس گردد تا كلّ از نور بيان و نار محبت رحمن بافق ايقان توجه نمايند نه آنكه بكلماتي تكلم كنند كه سبب اخماد نفوس و اضطراب قلوب گردد از بيانات لا يسمنه لا يغنيه كه بعضى من غير شعور بان تكلم مي نمايند تكليف از براي احدي باقي نيمياند قسم بافتاب افق معاني كه اگر احبّاي الهى بآنچه از قلم اعلى جاري شده عامل ميشدند يا كلّ بافق ابهي توجه مينمودند يا به نيران راجع مي گشتند عجب است كه بعضى كه خود را در هواي عرفان طائر ميدانند هنوز بظاهر كلمات الهيه فائز نشده بلكه بوى آنرا استنشاق نكرده اند مثلاً حين ورود رضوان ميفرمايند قوله جلّ و عزّ: انا تجلينا على كلّ الأشياء بكلّ الاسماء مقصود از اين كلمه مباركّه آنكه كلّ اشياء اليوم بتجلّى مولى الاسماء فائز شدند و امثال اين بيان و فوق آن در زبر و صحف و كتب الهى نازل و معاني و مقصود از آن بلسان پارسي و عربي در الواح عديده از قلم امر بيان شده طوبى لمن عرف مراد الله و تمسك به منقطعاً عن كلّ ناعق لا يشعر ما يقول و ناهق لا يفقه ما قال بعد از خرق حجابات و سبحات و كسر اصنام و اوهام تازه بكلمات عتيقه ناطق شده اند وقتي از اوقات در ساحت اقدس اين عبد حاضر و توجه الى وجه المحبوب و پيارسى فرمودند وقتي باسم صيد توجه به بعضى اراضى نموديم تا به محلى رسيديم ملاحظه شد درويشى غذائي ترتيب ميداد از او پرسيديم چه ميكني مذكور داشت خدا مي پزم با خدا ميپزم از براي خدا مي پزم مشاهده شد كه آن مسكين چقدر از شريعه ربّ العالمين دور است و بعد توقّف نموديم و بكمال شفقت و نصيحت با او تكلم نموديم تا آنكه اشعه افتاب حقيقت از افق قلبش ظاهر و مشرق شد بمعذرت قيام نمود و او يك رفيقي داشت برهنه ما بين ناس مشى مينمود و

بهمان کلمات ناطق و هر دو بانوار فجر معانی فائز شدند بقسی که یوم بعد با پاهای برهنه در رکاب میدویدند مع آنکه آن ارض خارستان بود و آنچه گفته شد که سوار شوند قبول ننمودند از حقّ جلّ و عزّ می طلبیم که احبّای خود را از شرّ بیانات مضرّه حفظ فرماید تا کلّ بما اذن الله ناطق گردند و بخدمت امرش مشغول شوند در کتاب اقدس و اکثری از الواح تکلیف احبّای خود را بآیات واضحه و براهین کامله فرمودند قوله عزّ کبریا: من يدعى امرأ قبل اتمام الف سنة كاملة انه كذاب مفتر نسأل الله بأن يؤيده على الرجوع ان تاب انه لهو التواب و ان اصر على ما قال يبعث عليه من لا يرحمه انه شديد العقاب من يأول هذه الآية او يفسرها بغير ما نزل في الظاهر انه محروم من روح الله و رحمته التي سبقت العالمين خافوا الله و لا تتبعوا ما عندكم من الاوهام ان اتبعوا ما يأمرکم به ربکم العزيز العليم سوف يرتفع النعاق من اکثر البلدان ان اجتنبوا يا قوم و لا تتبعوا کلّ فاجر لئيم هذا ما اخبرناکم به اذ کنا فی العراق و فی ارض السّر و فی هذا المنظر المنیر انتهى و بعضی از نفوس مشاهده میشوند که بذکر حق مشغولند و بکمال ما ممکن فی الابداع به ثنای حق ناطق و ذاکرند و لکن همان ذکر و ثنا را دام ناس قرار داده و میدهند و بعد از آنکه قلوب ضعفا را صید نمودند متمسک به بعضی از آیات الهیه از پارسی و عربی که از سماء مشیت نازل شده میشوند و آن آیات را بهوای خود معنی مینمایند و بآن از برای خود شناسائی ثابت میکنند و سبب اضلال و اختلاف ناس میگردند الیوم اگر نفسی به جمیع اسماء حسنی نامیده شده باشد و بغير عبودیت صرفه بکلمه ای نطق نماید لدی الحقّ از اهل خسران محسوب است آیا تفکر نمینمائید که اگر هر روز حقّی ظاهر شود جمیع احکام الهیه و اوامر ربّانیّه معطلّ و معوق خواهد ماند هر روز ندائی مرتفع است و ضوضائی بر پا در سنه قبل دو نفس مجهول در رشت ظاهر شدند و ادّعی حقیّت نمودند و جمعی از احبّای که از اصل امر اطلاع نداشتند حول آندو نفس جمع شدند و سبب اختلاف گشتند تا آنکه عریضه بساحت اقدس آمد بعد از صدور جواب بافق اعلی راجع گشتند قد غفر هم الله فضلاً من عنده انه لهو الغفور الکریم الیوم اگر نفسی از احبّاء بکلمه ای که مخالف و مغایر رضای الهی باشد تکلم نماید باید اهل بها او را نصیحت نمایند شاید بنصایح مشفقّه متنّبّه شود و الا لیس لأحدٍ أن يتقرّب الیه هذا ما حکم ربّنا العليم فی کتابه العظيم "

و نیز از حضرت بهاء الله درباره بیت اعظم بغداد است قوله الاعلی : " وَ اذْکُرْ ما نَزَلَ فی ارض السّر فی السّنة الاولى لعبدنا المهدي و اخبرناه به فی ما یرد علی البيت من بعد لئلا یحزنه ما وَرَدَ مِنْ قَبْلِ مِنَ الَّذِي اعتدى و سَرَقَ و عند ربّک علم السّموات و الارضین قلنا و قولنا الحقّ ثمّ اعلم بأن لیس هذا اول وهن نزل علی بیّتی و

قد نزل من قبل بما اكتسبت ايدى الظالمين و سينزل عليه من الذلّة ما تجرى به الدّموع من كلّ بصر بصير
كذلك القيناك بما هو المستور في حجب الغيب و ما اطّلع به احد الا الله العزيز الحميد ثمّ تمضى ايام يرفعه
الله بالحقّ و يجعله علماً في الملك بحيث يطوف في حوله ملاً العارفين هذا قول ربّك من قبل أن ياتى يوم الفزع
قد اخبرناك به في هذا اللّوح لئلا يحزنك ما ورد على البيت بما اكتسبت ايدى المعتدين "